

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.3.13.4

An Analysis of Influential Contexts and Processes in Spatial Organization of Urban Poverty (Case Study: Tabriz Metropolis)

Maryam Rezayi¹, Ali Panahi^{2*} & Reza Valizadeh³

1. Ph.D Candidat, Department of Geography & Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2. Assistant Professor, Department of Geography & Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

3. Assistant Professor, Department of Geography & Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

* Corresponding author: Email: panahi@iaut.ac.ir

Receive Date: 29 October 2021

Accept Date: 27 August 2022

ABSTRACT

Introduction: Urban poverty is one of the biggest challenges in both developing and developed countries, which is a major obstacle for most governments to achieve the indicators of sustainable development. Therefore, accurate identification of poor areas as well as contexts and processes affecting the formation and spread of poverty is one of the necessities of urban planning and management to deal with the spread of this phenomenon.

Research Aim: The purpose of this study is to investigate the areas of urban poverty and also to analyze the contexts and processes affecting the spatial organization of poverty in Tabriz metropolis.

Methodology: The research method in the present study is mixed (quantitative-qualitative) with analytical-exploratory nature, which in order to collect research data has been used from the information available in the statistical blocks of 1996 and 2016 in Tabriz and to interview the managers and academic elites specializing in urban poverty (15 people based on the Delphi method) and to analyze the data, has been used the Q-factor analysis model and the nearest neighbor index (NNI) in GIS software.

Studied Areas: The geographical area of the research includes 10 regions of Tabriz metropolis.

Results: Findings show that the contexts and processes of spatial expansion and organization of poverty in Tabriz metropolis include the three main factors of inefficiency of the management structure and macroeconomic system, discriminatory management structure and economic system and the characteristics of immigrants and low-income people, which in total, they explain 83.536% of the total variance.

Conclusion: The results show that in 1996, most of the suburban areas of the city were in an unfavorable situation, while in 2016, the organization and spatial distribution of poor areas in the city and the distribution of clusters of poor areas during this period of 20 years has been reduced.

KEYWORDS: Urban poverty, Contexts and Processes, Spatial organization, Tabriz Metropolis



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۸، شماره ۳ (پیاپی ۶۴)، پاییز ۱۴۰۲
شاپای چاپی ۲۵۳۸-۵۹۶۸ شاپای الکترونیکی ۲۵۳۸-۵۹۵۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۱۷۱-۱۵۹

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.3.13.4

مقاله پژوهشی

تحلیلی بر زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار در سازمان‌یابی فضایی فقر شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز)

مریم رضایی^۱، علی پناهی^{۲*} و رضا ولی‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۳. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

* نویسنده مسئول: Email: panahi@iaut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۷ آبان ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۵ شهریور ۱۴۰۱

چکیده

مقدمه: فقر شهری یکی از بزرگترین چالش‌ها هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌گردد که مانع اساسی اکثر دولت‌ها در راستای تحقق شاخص‌های توسعه‌ی پایدار می‌باشد. از این‌رو، شناسایی دقیق پهنه‌های فقیرنشین و همچنین زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری و گسترش فقر از ضرورت‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها برای مقابله با گسترش این پدیده محسوب می‌شود.

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی پهنه‌های فقر شهری و همچنین تحلیل زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار در سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز است.

روش‌شناسی تحقیق: روش تحقیق در مطالعه‌ی حاضر آمیخته (کمی-کیفی) با ماهیت تحلیلی-اکتشافی بوده که به‌منظور گردآوری داده‌های تحقیق از اطلاعات موجود در بلوک‌های آماری سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۵ شهر تبریز و همچنین پرسشگری از مدیران و نخبگان دانشگاهی متخصص حوزه فقر شهری (۱۵ نفر بر مبنای روش دلفی هدفمند) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل تحلیل عاملی کیو Q و شاخص نزدیکترین همسایه (NNI) در نرم‌افزار GIS استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی پژوهش شامل مناطق ۱۰گانه‌ی کلان‌شهر تبریز محسوب می‌گردد.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زمینه‌ها و فرایندهای گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز شامل سه عامل اصلی ناکارآمدی ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی کلان، ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی تبعیض‌گرا و ویژگی‌های افراد مهاجر و کم‌درآمد می‌باشد که در مجموع ۸۳/۵۳۶ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

نتایج: نتایج حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۵ بیشتر مناطق حاشیه‌ای شهر در وضعیت نامطلوب قرار داشته‌اند، در حالی که در سال ۱۳۹۵ سازمان‌یابی و توزیع فضایی بلوک‌های فقیرنشین در کل سطح شهر بوده و از توزیع خوشه‌ای پهنه‌های فقیرنشین طی این بازه زمانی ۲۰ساله کاسته شده است.

کلیدواژه‌ها: فقر شهری، زمینه‌ها و فرایندها، سازمان‌یابی فضایی، کلان‌شهر تبریز

مقدمه

شهرنشینی یکی از اصلی‌ترین نیروهای تأثیرگذار بر تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی در سراسر جهان محسوب می‌گردد (Wang et al., 2015:281) و معمولاً با رشد اقتصادی و توسعه همراه است (Fay, 2005:1). علاوه بر مزیت‌های شهرنشینی، این پدیده پیامدهایی چون افزایش نابرابری‌های فضایی و گسست اجتماعی-کالبدی و گسترش فقر را به همراه دارد. می‌توان گفت فقر شهری پدیده چند بعدی است و شهرنشینان به‌خاطر بسیاری از محرومیت‌ها؛ از جمله عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال، مسکن و زیرساخت‌های مناسب، نبود تأمین اجتماعی و دسترسی به بهداشت، آموزش و امنیت فردی در رنج و مضیقه‌اند. همچنین فقر شهری تنها محدود به ویژگی‌های نام‌برده نبوده و اشاره به شرایط ناپایدار منجر به آسیب‌پذیری و ناتوانی در مقابل آسیب‌ها نیز دارد (Baharoglu & Kessides, 2002:2). در حال حاضر، سهم بخش شهری از تعداد کل فقرا در حال افزایش است (Ravallion, 2001:1) و فقر شهری یکی از بزرگترین چالش‌ها هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌گردد که مانع بزرگی برای دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار می‌باشد (Padda & Hameed, 2018:436). در این راستا، کاهش فقر یکی از وظایف مهم بسیاری از کشورهای جهان تلقی می‌گردد (Dollar & Kraay, 2002: 197; Lenz et al., 2017:89; Magombeyi & Odhiambo, 2018:520; Zhou et al., 2018:54) همچنین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری و گسترش این پدیده، نقشی اساسی در تدوین سیاست‌های کاهش فقر ایفا می‌نماید (Amis & Rakodi, 1995:404; Li Chang et al., 2019:393; Zhao et al., 2019:375). همچنین می‌توان عنوان کرد که سازمان فضایی و ساختار فضایی شهر منبعث از نیروهای طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی می‌باشد (نیک‌پور و همکاران، ۱۴۰۰:۳۴۰). از گذشته تا به امروز این نیروها به عنوان عاملی مهم در چینش فضایی شهرها نقش داشته‌اند؛ به طوری که شکل‌گیری و سازمان‌یابی پهنه‌های فقیرنشین نیز منبعث از نیروهای موجود در چینش فضایی شهرها بوده است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۵:۸۷). از طرفی، واکاوی مکاتب مختلف حاکی از آن است که زمینه‌ها و فرایندهای متفاوتی در شکل‌گیری ابعاد فضایی فقر شهری دخیل هستند که با توجه به شرایط عام و خاص حاکم بر هر مکانی، مکانیسم‌های عملی شکل‌گیری و بروز آن نیز متفاوت جلوه می‌کند (زنگانه، ۱۳۹۴:۹۶). از این‌رو، بررسی، عوامل، زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار در شکل‌گیری و گسترش فضایی فقر شهری و شناخت دقیق از چگونگی و الگوی سازمان‌یابی فضایی فقر می‌تواند برنامه‌ریزان و مدیران شهری را در کاهش و کنترل این پدیده یاری رساند. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر به دنبال بررسی زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار در سازمان‌یابی فضایی فقر شهری در کلان‌شهر تبریز می‌باشد. در کلان‌شهر تبریز مانند سایر شهرهای ایران، همزمان با اصلاحات ارضی (۱۳۴۰) و صنعتی شدن کشاورزی، افزایش جمعیت شهری شدت گرفته است. در این بین، مهاجرت جمعیت عظیمی از مناطق روستایی به شهر با مهارت فنی و تحصیلات پایین از یک‌سو و عدم نظارت بر توسعه‌ی فیزیکی از سوی دیگر باعث توسعه‌ی نامتوازن شهر تبریز و شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای و فقیرنشین با گسست کالبدی و اجتماعی این مناطق با سایر نقاط شهر شده است. با توجه به وجود نارسایی‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی در این سکونتگاه‌ها، عدم کنترل، مدیریت و ارتقای آنها باعث تحمیل آسیب‌های جدی به کل شهر در ابعاد مختلف خواهد گردید. از این‌رو، ضروری است تا با بررسی و شناخت علل شکل‌گیری و سازمان‌یابی فقر در این کلان‌شهر راهکارهایی عملی برای مقابله با افزایش این پدیده ناشی از نابرابری‌های فضایی در عرصه‌های مختلف ارائه داد. بدین منظور پاسخگویی به سؤال‌های زیر اساس کار تحقیق حاضر می‌باشد:

- سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز به چه صورتی می‌باشد؟

- مهم‌ترین زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری و گسترش پدیده‌ی فقر در کلان‌شهر تبریز کدامند؟

ادبیات نظری در راستای موضوع فقر بسیار گسترده می‌باشد و در مطالعات و پژوهش‌های مختلف نحوه‌ی توزیع فضایی فقر در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، پیشینه‌ی نظری و تجربی در راستای زمینه‌ها و فرایندهای شکل‌گیری و گسترش این پدیده محدود بوده و همچنین به‌صورت عام و کلی برای تمامی کشورها (کشورهای در حال توسعه، کشورهای توسعه‌یافته و ...) انجام گرفته است. در این راستا، در پژوهش حاضر با دیدگاهی جامع و اکتشافی زمینه‌ها و فرایندهای شکل‌گیری و گسترش این پدیده در کلان‌شهر تبریز مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در ادامه به مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌گرفته‌ی مرتبط با موضوع فقر در سال‌های اخیر اشاره می‌گردد. رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد، فقر را یکی از پدیده‌های پیچیده دانسته که طی دهه‌های اخیر در مراکز شهری مهم‌ترین

معضل اجتماعی-اقتصادی محسوب می‌شود و به واسطه‌ی اثرهای سوء آن، جلوگیری از گسترش این پدیده، شناخت دقیق پهنه‌های فقیر در شهرها را طلب می‌کند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که ۱۲/۲ درصد از محلات شهر یزد خیلی فقیر، ۱۹/۵ درصد فقیر، ۲۶/۸ درصد متوسط، ۳۶/۶ درصد مرفه و فقط ۴/۹ درصد در سطح خیلی مرفه قرار دارند. خلیج و یوسفی (۱۳۹۳)، در مطالعه خود به بررسی پهنه‌بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فقر در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری بیشتر است؛ به طوری که ۲۱/۴ درصد خانوارهای روستایی و ۵/۸۶ درصد خانوارهای شهری فقیرند. خانوارهای استان‌های جنوب‌شرقی فقیرترند و سیستان و بلوچستان فقیرترین استان کشور است. همچنین با توجه به اهمیت شناسایی آسیب‌پذیرترین خانوارها در کشور به نظر می‌رسد روش فقر چندبعدی می‌تواند فارغ از مشکلات سنجش درآمد و ثروت خانوارها، اطلاعاتی مفید و متفاوت از درآمد خانوارها در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. زنگانه و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهش خود گستره‌های فضایی فقر شهری اراک را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با توجه به تلفیق شاخص‌های چندگانه‌ی اجتماعی و اقتصادی و کالبدی، هفت گستره‌ی اصلی در شهر شناسایی شدند که، به جز بخش مرکزی، عمدتاً در حاشیه‌ی شهر قرار دارند. نتایج سطح‌بندی گستره‌های شناسایی‌شده حاکی از آن است که به لحاظ برخورداری و شرایط مطلوب زیستی بخش مرکزی در رتبه‌ی اول، محور ۲۰ متری میقان و محله‌های رودکی و باغ‌خلیج در رتبه‌ی دوم، محله‌ی داوران و کشتارگاه، محله‌ی فوتبال و کوی ولی‌عصر در رتبه‌ی سوم و سرانجام، کوی قنات ناصری در رتبه‌ی چهارم قرار دارند. ذکایی و رشیدی (۱۳۹۸)، در تحقیق خود تحت عنوان سازه‌ی فقر شهری: تجربه‌ی مردم‌نگارانه‌ی اتوبیوگرافیک فقر در فضاهای شهری تهران، محله‌ی هرنندی را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های تحقیق دال بر نظرات اجتماعی بسیار پایین، عدم احساس مالکیت بر فضا، کم‌رنگ بودن پیوندهای اجتماعی ساکنان محله با سایر اجتماعات شهر، فراهم بودن زمینه برای قانون‌گریزی و هنجارشکنی، شکل گرفتن قلمروهای نمادین توسط گروه‌های آسیب‌دیده، ضعف سیاست‌های حمایتی دولت در قبال اجتماعات ساکن محله، اجتماع‌سنجی در بین برخی خرده‌گروه‌ها و میزان بالای طرد اجتماعی است. بر این اساس، درهم تنیدگی موارد یادشده با کالبد و فضاهای شهری آسیب‌زا در سطح محله، می‌طلبد سیاست‌گذاری اجتماعی به گونه‌ای باشد که به متن حساس بوده و شرایط تمام گروه‌ها را در آن لحاظ نماید که این امر از طریق رویکردهای متکی به ملاحظات کمی و از بالا به پایین میسر نخواهد بود. همچنین نگوین و همکاران (۲۰۱۳)، در مقاله فقر شهری در ویتنام: مفاهیم تعیین‌کننده و سیاسی به بررسی عوامل مؤثر در ایجاد فقر شهری در دو شهر بزرگ در ویتنام، هانوی و هوشی‌مین پرداخته و جنبه‌های پویای فقر شهری را در ویتنام مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شیوع فقر در هانوی برابر با ۱۷/۴ و برای هوشی‌مین ۱۲/۵ درصد برآورد شده است. همچنین شهر هانوی نرخ بالاتری از فقر ساختاری را نسبت به شهر هوشی‌مین به خود اختصاص داده است. یوکو بوآنسی و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی جغرافیای فقر شهری در شهر کوماسی غنا پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سطح تحصیلات و وضعیت اجتماعی-اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر توزیع فقر در شهر کوماسی می‌باشند. در این راستا، مداخلات مدیران شهری علاوه بر ارتقای زیرساخت‌های اجتماعی و فرصت‌های شغلی، بایستی نظارت بر تغییرات فضایی در توزیع و تمرکز فضایی فقر و جلوگیری از گسست اجتماعی شهر باشد. نیو و همکاران (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای به سنجش فقر شهری با استفاده از داده‌ها و منابع چندگانه در گوانگژو چین پرداخته‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ارزیابی فقر شهر در گوانگژو با استفاده از داده‌های مقیاس بزرگ و منابع متعدد باعث شناسایی همبستگی فضایی مثبت در سطح جامعه به‌منظور شناسایی افراد و پهنه‌های فقیر گردیده که به راحتی می‌توان با استفاده از اطلاعات، راه‌کارهایی را برای کاهش فقر در عرصه‌ی سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرا ارائه کرد. ولدریگی و همکاران (۲۰۲۱)، به تأثیر توسعه شهری بر فقر کشاورزان خرده‌شهری در حومه‌ی شهر تیگرای، اتیوپی شمالی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان فقر در این منطقه ۵ درصد بیشتر از سایر مناطق شهر می‌باشد. همچنین درصد کلی آموزش، سلامت و ابعاد استاندارد زندگی در این منطقه به ترتیب ۱۵/۴، ۲۸/۸ و ۵۵/۸ درصد بوده بنابراین توسعه شهری در مناطق حاشیه‌ای و حومه‌ای مناسب نبوده است و فقر شهری در این مناطق بیشتر می‌باشد.

با توجه به پیشینه مطالعاتی می‌توان گفت که فقر در ادبیات توسعه به‌طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (World Bank, 1981:39)، محرومیت یا کمبود ظرفیت‌ها و امکانات (Sen, 1985:170)، عدم توسعه انسانی (UNDP, 2010:1)، درآمد‌های پایین و نارسایی‌های اقتصادی، اشکال مختلف حاشیه‌نشینی و محرومیت اجتماعی، عدم دسترسی به خدمات و امکانات عمومی و اجتماعی، محرومیت از حکمرانی خوب و مشارکت فعال در تصمیمات و قرار گرفتن در معرض انواع آسیب‌ها از

ویژگی‌های فقر و همچنین عوامل ایجادکننده آن ذکر گردیده‌اند (Haslem et al., 2017:31). در گذشته فقر با توجه به معیارهای اقتصادی اندازه‌گیری می‌گردید. از آغاز دهه ۱۹۸۰، مفهوم فقر گسترده‌تر گردید و نه تنها بعد اقتصادی، بلکه ابعاد اجتماعی و فرهنگی و دیگر جنبه‌های را نیز شامل شد (Langlois & Kitchen, 2003:26; Bourguignon & Chakravarty, 2001:120; Townsend, 1987:126). بنابراین فقر چندبعدی مطرح گردیده که علاوه بر بعد اقتصادی، شامل بهداشت، تحصیلات و استانداردهای زندگی می‌باشد (Noble et al., 2006:171). پیچیدگی و چندبعدی بودن این پدیده، از ابعاد مختلف و متعدد بودن عوامل ایجادکننده آن ناشی می‌شود (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۸۵). به همین دلیل، علوم مختلف انسانی و اجتماعی با رویکردهای گوناگونی به این پدیده نگرسته‌اند (نصیری، ۱۳۹۳: ۱۵۴). از سویی، اقتصاددانان جنبه‌ها و عوامل اقتصادی مؤثر بر فقر را مدنظر قرار می‌دهند. از سوی دیگر، جامعه‌شناسان عوامل اجتماعی و فرهنگی را در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان بررسی می‌کنند (UNDP, 2019:1). همچنین پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌گرفته نیز در ابعاد مختلف به بررسی این پدیده پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال ایسویادیر و همکاران (۲۰۱۷)، با استفاده از نابرابری‌های اجتماعی- مکانی، به بررسی غلظت فضایی فقر در مراکز شهری پرداخته‌اند. بائود و همکاران (۲۰۰۸)، نیز از دارایی‌های معیشتی برای سنجش فقر بهره گرفته‌اند. از طرفی صاحب‌نظران و مکاتب علمی نیز عوامل و زمینه‌های مختلفی را برای شکل‌گیری و گسترش فقر شهری ذکر کرده‌اند. اُسکار لویس در کتاب خود با عنوان "زندگی: خانواده‌ی پورتوریکویی در فرهنگ فقر" با دیدگاه جبرگرایی بیان می‌کند که فقر پدیده‌ای وراثتی بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (Lewis, 1996:72). لیبرال‌ها با صاحب‌نظرانی همچون جان ترنر، علل شکل‌گیری پهنه‌های فقیرنشین را ناشی از نظام جهانی موجود دانسته‌اند. دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا دو عامل بیرونی (امپریالیسم) و درونی (ساخت اقتصادی جوامع) را در شکل‌گیری پهنه‌های فقیرنشین مؤثر می‌داند. بر مبنای این دیدگاه تأثیرات بیرونی باعث تغییر در نظام شهری و جابجایی جمعیت به مناطق و مراکز شهری گردیده و نبود ساختار مناسب حاکم بر نظام کار، تولید، توزیع و مصرف باعث به حاشیه رانده شدن این افراد و شکل‌گیری پهنه‌های فقیرنشین می‌گردد. از دیدگاه جامعه‌گرایان جدید نیز تضاد میان کار و سرمایه و عملکرد قوانین حاکم بر نظام اقتصاد سرمایه‌دارای یعنی تمرکز و انباشت سرمایه و رشد ناموزون اقتصادی و اجتماعی و الگوی توسعه‌ی وابسته و برون‌زا و صنعتی شدن وابسته که شهرنشینی شتابان و رشد نامتعادل و عدم تعادل ساختاری جامعه را به‌دنبال دارد، از عوامل شکل‌گیری و گسترش پهنه‌های فقیرنشین شهری محسوب می‌گردند (زادولی خواجه، ۱۳۹۷: ۱۶۷-۱۵۵). بنابراین با توجه به ادبیات نظری و پیشینه‌ی تجربی می‌توان عنوان کرد که عوامل، زمینه‌ها و فرایندهای مختلفی در سازمان‌یابی فضایی فقر شهری تأثیرگذار می‌باشند. همچنین فقر شهری، مسأله‌ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقای بازتولید و بسط آن وجود دارد که حاکی از عدم کفایت راه‌حل‌ها و سیاست‌های متداول شهری است و رهیافت‌ها و اقدامات نوینی را می‌طلبد (صرافی، ۱۳۸۱: ۵). بنابراین راهکارهایی اصولی مورد نیاز است تا موجب ریشه‌کن شدن و کاهش فقر شهری گردد. در این راستا، شناخت دقیق پهنه‌های فقیر شهری و عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی این پدیده ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به دنبال تحلیل زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار در سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز است، بنابراین تحقیق حاضر از نظر ماهیت تحلیلی-اکتشافی با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته (روش کمی و کیفی) می‌باشد. به منظور گردآوری داده‌های تحقیق از اطلاعات موجود در بلوک‌های آماری سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۵ شهر تبریز و همچنین پرسشگری از مدیران و نخبگان دانشگاهی متخصص حوزه فقر شهری (۱۵ نفر بر مبنای روش دلفی هدفمند) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل تحلیل عاملی کیو Q و شاخص نزدیکترین همسایه (NNI) در نرم‌افزار GIS استفاده شده است. قابل ذکر است به منظور تهیه نقشه‌های فقر شهری، شاخص‌های مورد بررسی «۱۴ شاخص تحت عنوان شاخص‌های کالبدی (تراکم جمعیت، تراکم خالص مسکونی، تراکم فقر در واحد مسکونی و تراکم اتاق در واحد مسکونی)، شاخص‌های اجتماعی (بعد خانوار، میزان فعالیت عمومی، نسبت جوانی جمعیت، جمعیت باسواد و نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم) و شاخص‌های اقتصادی (بار تکفل، نرخ بیکاری، نرخ بیکاری مردان، مشارکت اقتصادی زنان و ضریب اشتغال)»، ابتدا در شیب‌فایل بلوک‌های آماری سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۵ شهر تبریز هر یک از لایه‌های شاخص‌ها به فایل‌های رستری (feature to raster) تبدیل گردیده، سپس با طبقه‌بندی آنها (Reclassify) و هم‌پوشانی لایه‌ها، نقشه‌های نهایی به دست آمده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

تبریز، بزرگترین شهر شمال غرب ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی می‌باشد که بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۷۷۳۰۳۳ نفر جمعیت بوده و ششمین شهر پرجمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، کرج و شیراز محسوب می‌شود. ارتفاع متوسط این شهر از سطح آب‌های آزاد حدود ۱۳۴۰ متر بوده و از نظر موقعیت جغرافیایی در ۴۱ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۲ دقیقه عرض شمالی از نصف‌النهار مبدأ قرار دارد. بررسی رشد فیزیکی و جمعیتی تبریز نشان می‌دهد که در فاصله زمانی ۶۰ ساله (۱۳۳۵-۱۳۹۵)، مساحت این شهر از ۱۱۷۰ هکتار به ۱۹۰۰۰ هکتار و جمعیت آن از ۲۸۹۹۹۶ نفر به ۱۷۷۳۰۳۳ نفر رسیده است. یعنی جمعیت آن قریب به ۶ برابر و توسعه فیزیکی آن حدود ۱۶ برابر رشد داشته است. همچنین بیش از ۴۰۰ هزار نفر از جمعیت شهر در سکونتگاه‌های غیررسمی در چهار پهنه شمال، جنوب، شمال غرب و جنوب غرب اسکان و گسترش یافته‌اند.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی کلان‌شهر تبریز

یافته‌ها و بحث

زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز

به‌منظور شناسایی زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز از روش تحلیل عاملی Q (مصاحبه با ۱۵ نفر از مدیران و نخبگان دانشگاهی متخصص حوزه‌ی فقر شهری) استفاده شده است. در تحلیل عاملی Q برخلاف تحلیل عاملی افراد به جای متغیرها دسته‌بندی می‌شوند. بدین منظور ابتدا نمونه‌ی آماری زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فقر در کلان‌شهر تبریز را به ترتیب زیر مشخص کرده‌اند:

نمونه‌ی ۱: غلبه‌ی رویکرد تکنوکرات‌گرا و عدم کفایت نظام اداره و مدیریت شهر در توزیع عادلانه‌ی منابع قدرت، ثروت، درآمد، خدمات و افزایش فاصله‌ی طبقاتی.

نمونه‌ی ۲: عدم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مدیران در راستای توانمندسازی مناطق فقیرنشین و اقبال کم‌درآمد با توجه به مستمر نبودن دوره‌های مدیریتی.

نمونه‌ی ۳: عدم کفایت قوانین زمین و ناتوانی مدیریت شهری در نظارت و کنترل ساخت‌وسازها و غلبه‌ی باندهای قدرت نامشروع به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای شهر.

نمونه‌ی ۴: برخورد‌های مقطعی و عدم تأکید طرح‌ها بر انعطاف‌پذیری، نسبی‌گرایی و آینده‌پژوهی در راستای ارتقای پهنه‌های فقیرنشین شهر.

نمونه‌ی ۵: عدم یکپارچگی مدیریت شهر در عرصه‌های سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مقابله با گسترش و شکل‌گیری فقر شهری.

نمونه‌ی ۶: متمرکز بودن نظام مدیریت شهری و عدم موضوع‌شناسی مناسب برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ی شهر در مورد پهنه‌های فقیرنشین و عدم تفکیک مداخلات در انواع بافت‌های جدید، قدیم، تاریخی و حاشیه‌ای.

نمونه‌ی ۷: مهاجرت بی‌رویه به شهر تبریز و عدم مهارت و تحصیلات مناسب مهاجران.

نمونه‌ی ۸: تله‌ی فضایی فقر با توجه ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی خانواده (فقر در بین نسل‌های مختلف یک خانواده).

نمونه‌ی ۹: نابرابری‌های اجتماعی در فضای شهر به‌منظور برخورداری از امکانات و منابع مختلف.

نمونه‌ی ۱۰: گسست اجتماعی-فرهنگی در فضای شهر و به تبع آن گسست کالبدی بین اقشار فقیر و غنی.

نمونه‌ی ۱۱: ارزان‌قیمت بودن زمین در مناطق حاشیه‌ای و مرکزی شهر با توجه به قدیمی و فرسوده بودن بافت کالبدی، تأسیسات و تجهیزات شهری و سوق یافتن مهاجران و افراد کم‌درآمد شهر به این مناطق.

نمونه‌ی ۱۲: ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر و گرایش افراد کم‌درآمد و مهاجر به مناطق غیررسمی.

نمونه‌ی ۱۳: عدم سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی مناسب مشاغل صنعتی و تولیدی در شهر و گرایش افراد فقیر به مشاغل فصلی.

نمونه‌ی ۱۴: عدم دسترسی مناسب فقیران به اعتبارات مالی.

نمونه‌ی ۱۵: عدم پیشرفت در وضعیت اقتصادی شهر در ناشی از سیاست‌های کلان‌کشوری و شهر و شکل‌گیری تورم‌های چندبرابری و کاهش قدرت خرید خانوارها به‌ویژه اقشار متوسط و کم‌درآمد.

پس از مشخص شدن نظرات نمونه‌ی آماری، در جهت انجام تحلیل عاملی از ماتریس همبستگی که روشی مرسوم و معمول می‌باشد، استفاده شده است. در این راستا، عامل‌ها به روش واریماکس که نوعی چرخش متعامد است، چرخش یافته و مقدار واریانس کل تبیین‌شده بیان گردیده است. قابل ذکر می‌باشد که برای انجام این روش، از تمامی نمونه‌ی آماری میزان تأثیرگذاری کلیه‌ی عوامل استخراج‌شده پرسشگری شده است.

جدول ۱. ماتریس تحلیل عاملی و دسته‌بندی عامل‌ها

نمونه	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
نمونه‌ی ۱	۰/۸۱۱		
نمونه‌ی ۵	۰/۷۶۹		
نمونه‌ی ۱۲	۰/۷۴۱		
نمونه‌ی ۱۵	۰/۷۲۵		

نمونه‌ی ۲	۰/۶۸۸
نمونه‌ی ۳	۰/۶۵۹
نمونه‌ی ۶	۰/۶۳۷
نمونه‌ی ۱۳	۰/۷۷۵
نمونه‌ی ۴	۰/۷۲۱
نمونه‌ی ۱۴	۰/۶۴۹
نمونه‌ی ۹	۰/۶۲۱
نمونه‌ی ۱۱	۰/۶۱۴
نمونه‌ی ۷	۰/۷۴۳
نمونه‌ی ۸	۰/۶۸۲
نمونه‌ی ۱۰	۰/۶۱۹

جدول ۲. واریانس کل تبیین‌شده در مدل تحلیل عاملی Q

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۳/۷۳۵	۳۶/۷۲۲	۳۶/۷۲۲
عامل دوم	۲/۴۶۱	۲۷/۰۶۵	۶۳/۷۸۷
عامل سوم	۱/۶۱۸	۱۹/۷۴۹	۸۳/۵۳۶

بر مبنای مدل کیو و واریانس استخراج‌شده می‌توان عنوان کرد که سه عامل ناکارآمدی ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی کلان، ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی تبعیض‌گرا و ویژگی‌های افراد مهاجر و کم‌درآمد در راستای زمینه‌ها و فرایندهای گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز بیان‌گردیده‌اند که در مجموع ۸۳/۵۳۶ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. یعنی گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز در حدود ۸۴ درصد ناشی از این سه عامل می‌باشد و حدود ۱۶ درصد نیز سایر عامل‌ها (زمینه‌ها و فرایندها) را دربر می‌گیرد که خارج از بحث‌های مطرح‌شده در این تحقیق می‌باشد.

جدول ۳. عامل‌ها و الگوهای استخراج‌شده

عامل‌ها	زمینه‌ی کلی	زمینه‌های فرعی
عامل اول	ناکارآمدی ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی کلان	غلبه‌ی رویکرد تکنوکرات‌گرا، عدم تحقق حکمروایی شهر در راستای ارتقای مناطق فقیرنشین و اقشار کم‌درآمد، نارسایی قوانین زمین، ناکارآمدی بازار مسکن، مستقل و متمرکز بودن نظام مدیریتی شهر، ناکارآمدی و بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی کلان.
عامل دوم	ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی تبعیض‌گرا	عدم انصاف‌پذیری طرح‌ها و برنامه‌ها در راستای ارتقای اقشار فقیر و پهنه‌های فقیرنشین، سوق یافتن منابع، امکانات و خدمات به سمت گروه‌های پردرآمد، اعتبارات ناچیز حامی فقیران، ضعف در حوزه‌های تولیدی و صنعتی و عدم وجود مشاغل مناسب برای اقشار کم‌درآمد.
عامل سوم	ویژگی‌های افراد مهاجر و کم‌درآمد	عدم وجود مهارت، تحصیلات و منابع مالی مناسب در اقشار فقیر، انتقال فقر بین نسل‌ها، گسست بین افراد غنی و فقیر در ابعاد مختلف.

بر مبنای جدول (۳) و عامل‌های استخراج‌شده، می‌توان عوامل (زمینه‌ها و فرایندها) تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز را به شرح زیر تفسیر کرد:

عامل ۱؛ ناکارآمدی ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی کلان: بر مبنای دیدگاه این گروه زمینه‌ها و فرایندهای مدیریتی و اقتصادی کلان عامل اصلی گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز محسوب می‌گردند. در این راستا از زمینه‌های اصلی می‌توان به عدم کفایت مدیریت شهری در عرصه‌های مختلف همچون مسئولیت‌پذیری، نارسایی بازار رسمی زمین و مسکن شهر، نارسایی قوانین زمین و عدم کنترل وضعیت اقتصادی و تورم اشاره کرد. همچنین از فرایندهای تأثیرگذار می‌توان به دوره‌ای بودن مدیریت در تبریز (تمامی شهرهای ایران) و عدم مستمر بودن سیمت‌های مدیریتی و کاهش کارایی آنها در ارتقای مناطق فقیرنشین، تکنوکراسی شهری (عدم مشارکت‌پذیری) و عدم تحقق توزیع عادلانه‌ی منابع مختلف، عدم اجرای مناسب برنامه‌های مقابله با فقر با توجه به فرایندهای متفرق در عرصه‌های سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرا (عدم یکپارچگی)، طرح‌های کلیشه‌ای طی دوره‌های مختلف و عدم تفکیک مداخلات در انواع بافت‌های جدید، قدیم، تاریخی و حاشیه‌ای، عدم جلوگیری از نقش پررنگ دلالان در عرصه‌ی زمین و مسکن و همچنین سیاست‌های نامناسب در حوزه‌ی کلان که تحریمات گسترده طی سالیان و دهه‌های

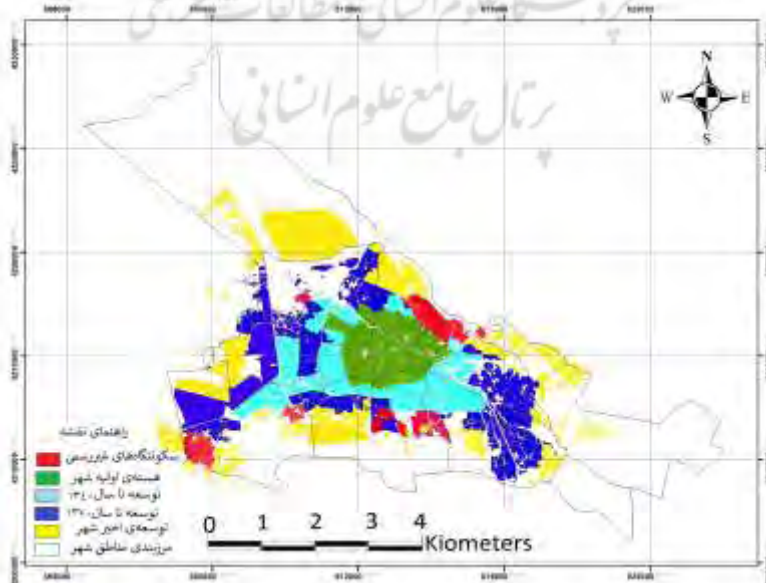
گذشته برای ایران و افزایش تورم‌ها داشته است. این عامل بیشترین اهمیت را در بین سه عامل مدنظر به خود اختصاص داده است و مقدار ویژه‌ی آن بر اساس مدل $3/735$ می‌باشد و $36/722$ درصد از واریانس را تبیین می‌کند.

عامل ۲؛ ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی تبعیض‌گرا؛ تأکید این دیدگاه در راستای گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز بر زمینه‌های مدیریتی و اقتصادی خرد همچون عدم واقع‌بینی و انعطاف‌پذیری طرح‌ها و برخوردهای مقطعی و قهرآمیز، عدم توزیع فضایی عدلانه‌ی خدمات شهری، عدم اختصاص بودجه‌ی مناسب برای ارتقای پهنه‌های فقیرنشین با رویکرد جلوگیری از افزایش نقدینگی (کاهش تورم) و عدم حمایت از کسب‌وکارهای خرد می‌باشد. همچنین از منظر این دیدگاه فرایندهای مستمری که به گسترش این پدیده دامن می‌زند شامل تأکید بر برنامه‌ریزی بالا به پایین، عدم تشویق سرمایه‌گذاران بر توسعه‌ی مشاغل تولیدی و صنعتی و عدم کنترل مناطق حاشیه‌ای و ساخت‌وسازهای این مناطق می‌باشد. بر مبنای مدل تحلیل عاملی کیو ارزش ویژه‌ی این دیدگاه $2/461$ بوده که $27/065$ درصد از واریانس را تبیین می‌کند.

عامل ۳؛ ویژگی‌های افراد مهاجر و کم‌درآمد؛ در این دیدگاه گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز ناشی از ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افراد کم‌درآمد و فقیر دانسته شده است. به عبارتی مهارت، منابع مالی و تحصیلات نامناسب موجب شکل‌گیری فقر و همچنین ایجاد تله‌ی فضایی فقر در بین نسل‌های یک خانواده گردیده و این امر باعث گسست کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این خانوارها با خانوارهای دیگر گردیده و خوشه‌های فقر شهری را به وجود آورده است. ارزش ویژه‌ی این دیدگاه $1/618$ بوده که $19/749$ درصد از واریانس را تبیین می‌کند.

گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز

سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری محسوب می‌گردند. طی دوره‌های مختلف شاهد ریشه‌یابی و گسترش این سکونتگاه‌ها از حاشیه به متن شهر بوده‌ایم. در این راستا زمینه‌ها و فرایندهای مختلفی دخیل بوده‌اند؛ از منظر اقتصادی کاهش سطح توان مالی خانوارها (موازنه‌ی منفی بین درآمدها و هزینه‌ها)، عدم نظارت مناسب دولت بر قیمت‌گذاری زمین، مسکن و اجاره‌بها و همچنین عدم وجود صندوق‌های حامی مالی اقشار کم‌درآمد موجب سوق یافتن اقشار کم‌درآمد و با درآمد متوسط به سمت مسکن ارزان قیمت در مناطق غیررسمی بوده است. از منظر مدیریتی نیز عدم کفایت قوانین زمین و نظارت بر ساخت‌وسازها طی دوره‌های مختلف، عدم نظارت بر قیمت مصالح، دخالت بیش از حد دلالتان در بازار زمین و مسکن و شکل‌گیری سوداگری و بورس‌بازی زمین و همچنین نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نامتناسب در عرصه‌ی تقویت شهرهای کوچک و میانی و ادغام روستاهای حاشیه‌ای به شهر بدون در نظر گرفتن امکانات شهری برای آنها از زمینه‌های اصلی گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در تبریز محسوب می‌گردند. در شکل (۳) نحوه گسترش و سازمان‌یابی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر تبریز مشخص شده است. بر مبنای تغییرات ایجادشده قابل بیان است که گسترش و سازمان‌یابی این سکونتگاه‌ها از حاشیه به متن شهر بوده است.

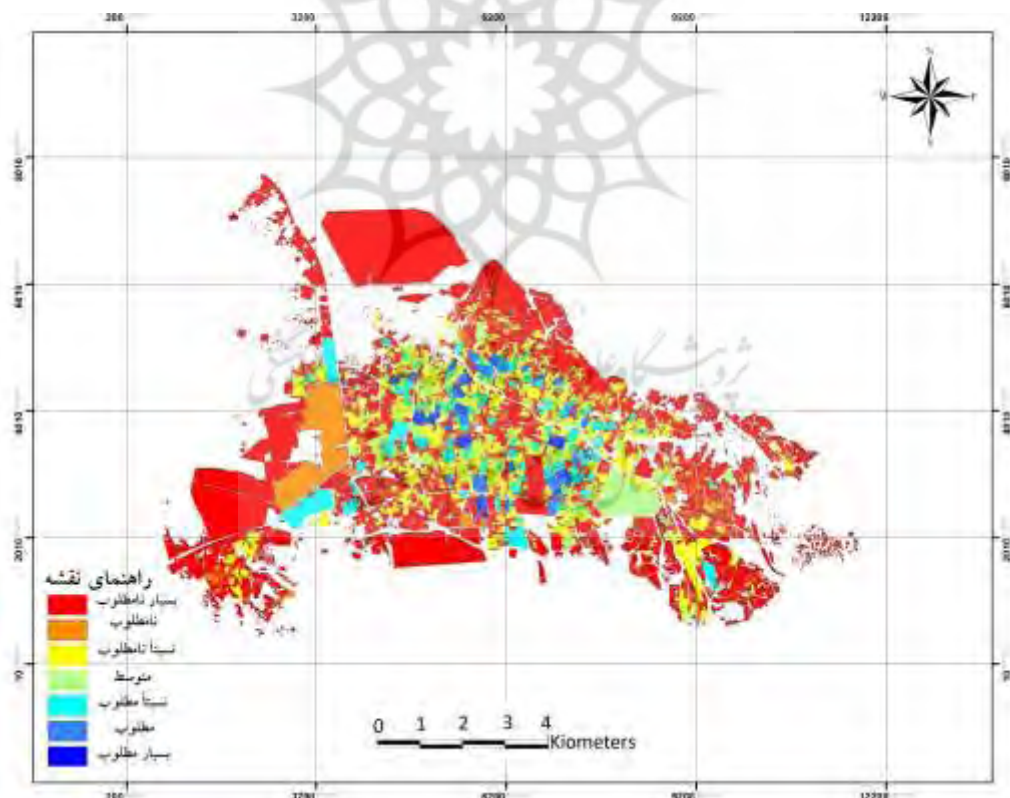


شکل ۳. نحوه گسترش و سازمان‌یابی فضایی سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز

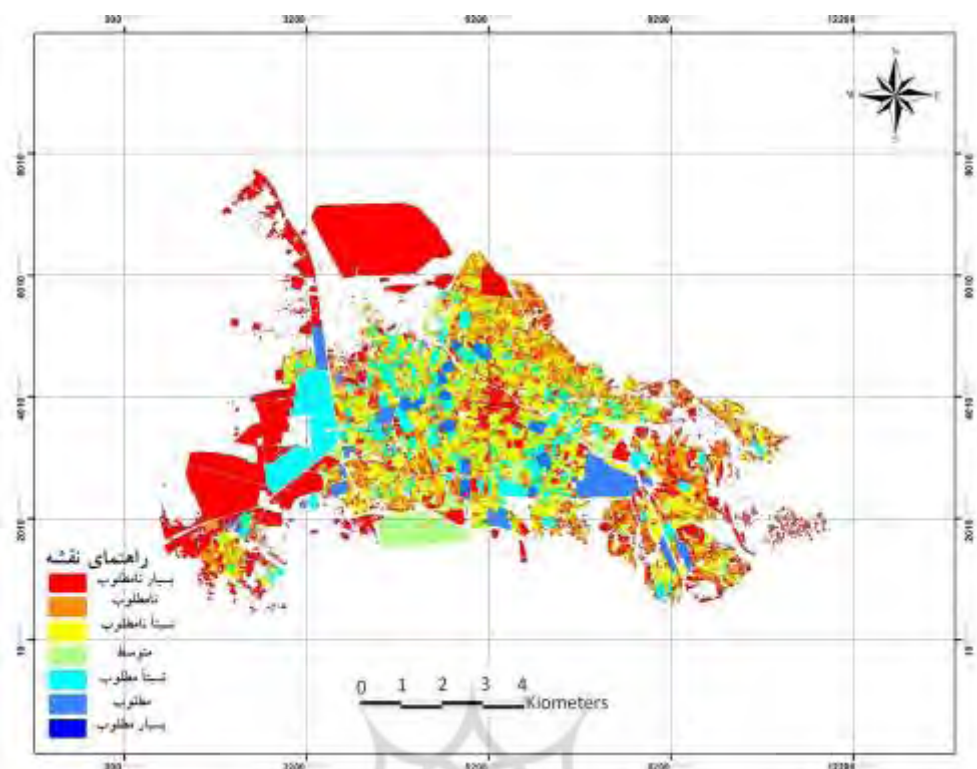
همچنین بررسی پهنه‌های فقر در شهر تبریز بر مبنای شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی با استفاده از روش لکه‌های داغ (Hot Spot Analysis) طی دوره‌ی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۵ حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۵ بیشتر مناطق حاشیه‌ای شهر در وضعیت نامطلوب قرار داشته‌اند، در حالی که در سال ۱۳۹۵ سازمان‌یابی فضایی بلوک‌های فقیرنشین در کل سطح شهر بوده است. همچنین بلوک‌های نامطلوب (بسیار نامطلوب، نامطلوب و نسبتاً نامطلوب) در این بازه زمان از ۴۶/۸ درصد به ۵۱/۷ درصد افزایش یافته و بلوک‌های مطلوب (بسیار مطلوب، مطلوب و نسبتاً مطلوب) از ۳۲/۹ درصد به ۲۸/۱ کاهش یافته است. از طرفی تغییرات بلوک‌های متوسط طی این دوره‌ی زمانی روند ثابتی را نشان می‌دهد. قابل ذکر است که اطلاعات شاخص درآمد در بلوک‌های آماری وجود نداشته و با استفاده از این شاخص و بررسی خط فقر تغییرات اساسی در پهنه‌های فقیرنشین شهر قابل مشاهده بود.

جدول ۴. وضعیت بلوک‌های فقیرنشین تبریز طی بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۵

وضعیت بلوک‌ها	سال ۱۳۷۵		سال ۱۳۹۵	
	تعداد بلوک‌ها	درصد	تعداد بلوک‌ها	درصد
بسیار نامطلوب	۲۱۳۱	۲۱/۸	۱۵۶۳	۱۲/۸
نامطلوب	۹۷۶	۱۰	۲۰۴۲	۱۶/۸
نسبتاً نامطلوب	۱۴۶۹	۱۵	۲۶۸۱	۲۲/۱
متوسط	۱۹۸۱	۲۰/۳	۲۴۵۷	۲۰/۲
نسبتاً مطلوب	۱۲۵۱	۱۲/۸	۱۳۵۷	۱۱/۲
مطلوب	۸۸۵	۹	۱۰۸۰	۸/۹
بسیار مطلوب	۱۰۸۴	۱۱/۱	۹۷۶	۸
مجموع	۹۷۷۷	۱۰۰	۱۲۱۵۶	۱۰۰



شکل ۴. وضعیت بلوک‌های شهر تبریز از منظر شاخص‌های سنجش فقر در سال ۱۳۷۵



شکل ۵. وضعیت بلوک‌های شهر تبریز از منظر شاخص‌های سنجش فقر در سال ۱۳۹۵

همچنین به منظور شناسایی الگوی توزیع فضایی پهنه‌های فقر شهری در تبریز نیز از شاخص نزدیکترین همسایه (NNI) استفاده شده است. اگر نتیجه‌ی آزمون شاخص نزدیکترین همسایه برابر با یک باشد، داده‌های مورد مطالعه به صورت تصادفی توزیع شده است، اگر نتیجه کوچکتر از یک باشد بیانگر خوشه‌ای بودن پراکنش داده‌ها و اگر نتیجه بزرگتر از یک باشد، نشانگر توزیع یکنواخت و تصادفی داده‌ها است. همچنین اگر شاخص Z عدد کمتر از ۱ و منفی باشد نیز نشان دهنده توزیع خوشه‌ای می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون شاخص نزدیکترین همسایه برای داده‌های مورد مطالعه حاکی از آن است که ارزش آزمون شاخص نزدیکترین همسایه و همچنین شاخص Z در آزمون برای مؤلفه‌های مورد مطالعه کمتر از یک بوده و نشان از توزیع خوشه‌ای پهنه‌های فقیرنشین در شهر تبریز دارد. همچنین بررسی مقایسه‌ای دو دوره‌ی مورد بررسی حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۵ شکل خوشه‌ای پهنه‌های فقر در کلان‌شهر تبریز بیشتر بوده و در سال ۱۳۹۵ به‌ویژه در ابعاد اجتماعی از الگوی خوشه‌ای فاصله گرفته است.

جدول ۵. شاخص نزدیکترین همسایه و نمره Z برای نقاط فقیرنشین در شهر تبریز

شاخص‌ها	سال	شاخص نزدیکترین همسایه	P-value	Z-score
کالبدی	۱۳۹۵	-۰/۲۳۹	۰/۰۰۰	-۲/۷۵۶
	۱۳۷۵	-۰/۱۵۶	۰/۰۰۷	-۳/۱۰۳
اجتماعی	۱۳۹۵	-۰/۶۰۳	۰/۰۲۱	۰/۰۰۹
	۱۳۷۵	-۰/۴۲۸	۰/۰۰۵	-۱/۰۵۲
اقتصادی	۱۳۹۵	-۰/۳۸۱	۰/۰۰۸	-۱/۹۰۶
	۱۳۷۵	-۰/۲۴۹	۰/۰۰۰	-۲/۴۲۶
مجموع	۱۳۹۵	-۰/۴۱۷	۰/۰۰۳	-۲/۲۴۵
	۱۳۷۵	-۰/۲۷۵	۰/۰۱۴	-۲/۹۴۷

نتیجه‌گیری

روند شکل‌گیری دوگانگی و چندگانگی اقتصادی و فضایی در شهرها و مناطق عموماً به‌دنبال انقلاب صنعتی در اروپا و سپس شکل‌گیری جریان شبه مدرنیته در کشورهای حاشیه‌ای شروع و به مرور تثبیت شد. در ایران نیز از اوایل دهه‌ی سوم قرن بیستم این روند شروع شد که نهایتاً پیشی گرفتن روند سریع شهرنشینی از الزامات این رشد باعث ایجاد و تجمع مشکلات متعدد از جمله فقر، بی‌مسکنی و بدمسکنی در اکثر شهرهای ایران گردید. می‌توان گفت شکل‌گیری و گسترش فقر شهری ناشی از عوامل و زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی می‌باشد. از این‌رو، شناسایی این عوامل و زمینه‌ها می‌تواند تأثیرگذاری مناسبی در راستای جلوگیری از افزایش این پدیده داشته باشد. بررسی‌های به‌عمل آمده در کلان‌شهر تبریز نشان می‌دهد که سه عامل ناکارآمدی ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی کلان، ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی تبعیض‌گرا و ویژگی‌های افراد مهاجر و کم‌درآمد از مهمترین زمینه‌ها و فرایندهای گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در کلان‌شهر تبریز محسوب می‌شوند. در عامل ناکارآمدی ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی کلان، زمین‌ها و فرایندهای مختلفی همچون دوره‌ای بودن مدیریت در شهرهای ایران و کاهش مسئولیت‌پذیری مدیران و مسئولان، عدم ثبات نظام اقتصادی، غلبه‌ی رویکرد تکنوکرات‌گرا و عدم یکپارچگی مدیریت شهر در عرصه‌های سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرایی در سازمان‌یابی و گسترش فقر دخیل می‌باشند. تأثیرگذاری عامل ساختار مدیریتی و نظام اقتصادی تبعیض‌گرا در سازمان‌یابی فضایی فقر ناشی از عدم وجود طرح‌های نسبی‌گرا، انعطاف‌پذیری و آینده‌نگر در راستای مقابله با فقر، سوق یافتن منابع به سمت دهک‌های پردرآمد جامعه و همچنین عدم حمایت از کسب‌وکارهای خرد می‌باشد. در عامل سوم نیز تأثیرگذارترین زمینه‌ها و فرایندها مربوط به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افراد و خانواده‌های فقیر و انتقال فقر به نسل‌های مختلف خانواده و یا به عبارتی تله فضایی فقر بوده است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر در سطح کلان‌شهر تبریز از سمت مناطق حاشیه‌ای به متن شهر می‌باشد و توزیع فضایی فقر طی سالیان گذشته از حالت خوشه‌ای خود فاصله گرفته و کل فضای شهری تبریز را دربر گرفته است.

از طرفی بررسی مقایسه‌ای نتایج تحقیق حاضر با پیشینه‌ی مطالعاتی نیز نشان می‌دهد که نتایج تحقیق همسو با پژوهش‌های رضایی و همکاران (۱۳۹۳) و زنگانه و همکاران (۱۳۹۴) گسترش فقر در متن و مرکز شهر، پژوهش پوکو بوانسی و همکاران (۲۰۲۰) تأثیر ویژگی‌های فردی (اجتماعی-اقتصادی) بر سازمان‌یابی و گسترش فقر و پژوهش ولدیریگی و همکاران (۲۰۲۱) گسترش بیشتر فقر در مناطق حاشیه‌ای و حومه‌ای می‌باشد.

به‌طور کلی می‌توان کرد که گسترش و سازمان‌یابی فقر در کلان‌شهر تبریز در فضاهای مختلف و پراکنش و توزیع پهنه‌های فقر در اکثر مناطق و همچنین تأثیرگذاری نظام اقتصادی و ساختار مدیریتی بر گسترش این پدیده، تدوین برنامه‌ها و طرح‌های واقع‌گرایانه، انعطاف‌پذیری و آینده‌نگر با رویکرد عدالت فضایی را در این شهر ضروری ساخته است. همچنین در راستای مقابله با گسترش فقر شهری در تبریز با توجه به نتایج تحقیق می‌توان راهکارهای زیر به‌کار بست:

- عدم کفایت مدیریت و قوانین موجود یکی از علل اصلی گسترش فقر در کلان‌شهر تبریز محسوب می‌گردد. در این راستا، ضروری است که با تغییر در رویه‌ی موجود یعنی متمرکز و تکنوکرات‌گرا به سمت مشارکتی و حکمروایی برنامه‌ریزی پایین به بالا را در عرصه‌ی مدیریتی رونق بخشید. بدین منظور در سال‌های گذشته چندین دفتر تسهیل‌گری در سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز دایر گردیده‌اند که با برنامه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی تا حدودی به توانمندسازی اقشار این سکونتگاه‌ها پرداخته‌اند. با این حال، تغییرات گسترده در عرصه‌های مدیریتی و طرح‌های توسعه‌ی ایستا عدم ارتقای این سکونتگاه‌ها از یک‌سو و افزایش مشکلات متعدد دیگر را باعث شده است. بنابراین ضروری است که با همکاری این دفاتر تسهیل‌گری و همچنین سایر سازمان‌های شهری با شناخت دقیق از اقشار فقیر و پهنه‌های فقیرنشین و نیازسنجی مسائل و مشکلات آنها و تعریف و تدوین طرح‌ها و برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و همچنین مدیریت پایدار و مستمر در این حوزه با شفافیت و مسئولیت‌پذیری بالا برای مقابله با گسترش این پدیده اقدام نمود. همچنین با تغییر در قوانین زمین و مسکن و کنترل ساخت‌وسازها به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای از گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی جلوگیری گردد که در این راستا بهره‌مندی از رویکرد و برنامه‌ریزی ممیزی املاک در سازمان‌های شهری ضروری می‌باشد.

- طرح‌های توسعه‌ی شهری بایستی با موضوع‌شناسی مناسب برنامه‌های پهنه‌های فقیرنشین و شناخت دقیق از این مناطق عدم تفکیک مداخلات در انواع بافت‌های جدید، قدیم، تاریخی و حاشیه‌ای صورت پذیرد. همچنین در سطح کلان با تقویت شهرهای

میانی و کوچک مهاجرت سلسله‌مراتبی تحقق یابد و از ورود سیل عظیم افراد به کلان‌شهر تبریز و گرفتار شدن در تله‌ی فضایی فقر با توجه به مهارت، تحصیلات و منابع مالی نامناسب جلوگیری به عمل آید.

- همچنین در بعد اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر جلوگیری از گسترش فقر در تبریز می‌توان به افزایش سهم خانوارهای کم‌درآمد از بودجه‌های ساخت مسکن، تسهیل در دریافت اعتبارات برای اقشار فقیر، سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی مشاغل صنعتی و تولیدی در شهر در راستای ایجاد شغل برای افراد به‌ویژه افراد با مهارت و تحصیلات کم و همچنین توسعه‌ی اقتصادی شهر، جلوگیری از گسترش منافع اقتصادی شهر به سمت گروه‌های پردرآمد، توجه به برنامه‌ریزی در کسب‌وکارهای خرد، ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی مناسب برای افراد فقیر در حوزه‌ی اقتصادی و مهارت‌های مختلف از طریق دفاتر تسهیل‌گری.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری بوده که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز از آن دفاع شده است.

منابع

- حاتمی‌نژاد، حسین؛ هراثینی، مصطفی؛ شهسواری، محمدسینا و پاشاپور، حجت‌اله. (۱۴۰۰). پهنه‌بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در شهرستان‌های استان کرمانشاه. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶ (۵۵)، ۲۹۳-۲۸۱.
- خلج، سکینه و یوسفی، علی. (۱۳۹۳). پهنه‌بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۸ (۴)، ۷۰-۴۹.
- ذکایی، محمدسعید و رشیدی، جمال. (۱۳۹۸). سازه‌ی فقر شهری: تجربه‌ی مردم‌نگارانه‌ی اتوبیوگرافیک فقر در فضاهای شهری تهران (نمونه موردی: محله‌ی هرنندی). *برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی*، ۱۰ (۴۰)، ۱۱۳-۶۳.
- رضایی، محمدرضا؛ علیان، مهدی و خاوریان، امیررضا. (۱۳۹۳). شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۳ (۴۶)، ۶۷۷-۶۹۵.
- زادولی خواجه، شاهرخ. (۱۳۹۷). *بازاندیشی بوم‌محور در امکان‌سنجی ارتقاء کیفی - کالبدی مناطق اسکان غیررسمی بر اساس معیارهای مسکن حداقل (بررسی تطبیقی کلان‌شهرهای اهواز و تبریز)*. رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، استاد راهنما: سعید ملکی.
- زنگانه، احمد؛ تلخابی، حمیدرضا؛ گازرانی، فریدون و یوسفی فشکی، محسن. (۱۳۹۴). گستره‌های فضایی فقر شهری اراک. *تحلیل فضایی مخاطرات محیطی*، ۲ (۱)، ۱۰۷-۹۳.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). به سوی نظریه‌ای برای سازماندهی اسکان غیررسمی. *هفت شهر*، دوره‌ی ۳ (۸)، ۱۱-۵.
- ملکی، سعید؛ امان‌پور، سعید و زادولی خواجه، شاهرخ. (۱۳۹۵). سازمان‌یابی فضایی و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در کلان‌شهر تبریز. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۵ (۱)، ۱۰۴-۸۷.
- نصیری، اسماعیل. (۱۳۹۳). چالش‌های فقر شهری و ضرورت رویکرد راهبردهای اجتماع‌محور در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: محله‌ی بی‌سیم شهر زنجان). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۹ (۲۷)، ۱۶۸-۱۵۳.
- نیک‌پور، عامر؛ سلیمانی، محمد و محمدیاری، بهناز. (۱۴۰۰). تحلیل فضایی پویای فقر شهری و پهنه‌بندی آن در کلان‌شهر رشت. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶ (۵۵)، ۳۵۲-۳۳۹.
- Allen, T., & Thomas, A. (Eds.). (2000). *Poverty and Development into the 21st century*. London: UK Oxford University Press.
- Amis, P., & Rakodi, C. (1995). Urban poverty: Concepts, characteristics and policies. *Habitat International*, 19(4), 403-405.
- Baharoglu, D. & Kessides, C. (2002). *Urban Poverty*. Volume 2 – Macroeconomic and Sectoral Approaches, Chapter 16 – Urban Poverty, pp: 124-159.
- Baud, I, Sridharan, N, & Pfeffer, K (2008). Mapping Urban Poverty for Local Governance in an Indian Mega-City: The Case of Delhi. *Journal of Urban Studies*, 45(7), 1385-1412.
- Bourguignon, F., & Chakravarty, S. R. (2003). The measurement of multidimensional poverty. *Journal of Economic Inequality*, 1(1), 25-49.

- Dollar, D., & Kraay, A. (2002). Growth is good for the poor. *Journal of Economic Growth*, 7(3), 195–225.
- Fay, M. (2005). *The Urban Poor in Latin America*. The World Bank, Washington, D.C.
- Haslam, P. A., Schafer, J., & Beaudet, P. (Eds.). (2017). *Introduction to international development: Approaches, actors, issues and practice*. New York: Oxford University Press.
- Langlois, A., & Kitchen, P. (2001). Identifying and measuring dimensions of urban deprivation in Montreal: An analysis of the 1996 census data. *Urban Studies*, 38(1), 119–139.
- Lenz, L., Munyehirwe, A., Peters, J., & Sievert, M. (2017). Does large-scale infrastructure investment alleviate poverty? Impacts of Rwanda's electricity access roll-out program. *World Development*, 89, 88–110.
- Lewis, Oscar. (1966). *La Vida: a Puerto Rican Family in the Culture of Poverty*. New York: Random House.
- Li, G., Chang, L., Liu, X., Su, S., Cai, Z., Huang, X., & Li, B. (2019). Monitoring the spatiotemporal dynamics of poor counties in China: Implications for global sustainable development goals. *Journal of Cleaner Production*, 227, 392–404.
- Magombeyi, M. T., & Odhiambo, N. (2018). Dynamic impact of FDI inflows on poverty reduction: Empirical evidence from South Africa. *Sustainable Cities and Society*, 39, 519–526.
- Nguyen, C., Linh, V. & Nguyen, T. (2013). Urban poverty in Vietnam: determinants and policy implications. *International Journal of Development Issues*, 12(2), 110-139.
- Niu, T., Chen, Y., & Yuan, Y. (2020). Measuring urban poverty using multi-source data and a random forest algorithm: A case study in Guangzhou. *Sustainable Cities and Society*, 54, 1-12.
- Noble, M., Wright, G., Smith, G., & Dibben, C. (2006). Measuring multiple deprivation at the small-area level. *Environment & Planning A*, 38(1), 169–185.
- Padda, I. U. H., & Hameed, A. (2018). Estimating multidimensional poverty levels in rural Pakistan: A contribution to sustainable development policies. *Journal of Cleaner Production*, 197, 435–442.
- Poku-Boansi, M., Amoako, C., Owusu-Ansah, J. K., & Brandful Cobbinah, P. (2020). The geography of urban poverty in Kumasi, Ghana. *Habitat International*, 103, 1-13.
- Ravallion, M. (2001). *On the Urbanization of Poverty*. Development Research Group World Bank, Washington Dc, USA.
- Sen, A. (1985). Well-being, agency and freedom: The dewey lectures 1984. *Journal of Philosophy*, 82(4), 169–221.
- Swiader, M., Szewrański, S., & Kazak, J. (2017). Poverty risk index as a new methodology for social inequality distribution assessment. In *IOP conference series: Materials science and engineering* (Vol. 245), Article 072021.
- Townsend, P. (1987). Deprivation. *Journal of Social Policy*, 16(2), 125–146.
- UNDP and Oxford Poverty Initiative. (2019). *Global multi-dimensional poverty index 2019*, illuminating inequalities.
- United Nations Development Programme (UNDP). (2010). *Human development report 2010: The real wealth of nations: Pathways to human development*. New York City: Palgrave Macmillan.
- Wang, X. R., Hui, E. C., Choguill, C., & Jia, S. H., (2015). The new urbanization policy in China: which way for ward? *Habitat*, 47, 279–284.
- Weldearegay, S.K., Tefera, M.M., & Feleke, S.T. (2021). Impact of urban expansion to peri-urban smallholder farmers' poverty in Tigray, North Ethiopia. *Heliyon*, 7(6), 1-11.
- World Bank. (1981). *World development report 1981*. New York City: Oxford University Press.
- Zhao, X., Yu, B., Liu, Y., Chen, Z., Li, Q., Wang, C., & Wu, J. (2019). Estimation of poverty using random forest regression with multi-source data: A case study in Bangladesh. *Remote Sensing*, 11(4), 375.
- Zhou, Y., Guo, Y., Liu, Y., Wu, W., & Li, Y. (2018). Targeted poverty alleviation and land policy innovation: Some practice and policy implications from China. *Land Use Policy*, 74, 53–65.

How to cite this article:

Rezayi, M., Panahi, A., & Valizadeh, R. (2023). An Analysis of Influential contexts and processes in Spatial Organization of Urban Poverty (Case Study: Tabriz Metropolis). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 18(3), 159-171.

ارجا به این مقاله:

رضایی، مریم؛ پناهی، علی و ولی‌زاده، رضا. (۱۴۰۲). تحلیلی بر زمینه‌ها و فرایندهای تأثیرگذار در سازمان‌یابی فضایی فقر شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۸ (۳)، ۱۵۹–۱۷۱.

فصلنامه علمی

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی